

بررسی مسئولیت حمایت جمهوری اسلامی ایران در جریان بحران سوریه

فریدون فدائی دولت،^۱ سید داوود آقائی^۲

پذیرش مقاله: 1399/10/08

دریافت مقاله: 1399/10/01

چکیده

با آغاز بحران سوریه از سال 1390، جمعیت زیادی از مردم این کشور آواره شده‌اند که از دیدگاه حقوقی و سیاسی نیاز به حمایت دارند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی حمایت انجام‌شده توسط ایران در بحران سوریه به روش تحلیلی - توصیفی است. پرسش اصلی این است که مسئولیت حمایت ایران در جریان این مناقشه از سال 1390 تاکنون به چه صورت است؟ منابع فقهی و در رأس آن آیات و روایات، لزوم حمایت از شهروندان توسط حکومت را توصیه کرده‌اند که در حقوق بین‌الملل از آن با نام مسئولیت حمایت یاد می‌شود. در تلاش‌های ناموفق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حل بحران سوریه و در خطر قرار گرفتن جان شهروندان، جمهوری اسلامی ایران به درخواست حکومت قانونی سوریه در این کشور حضوری مستشاری داشت و علیه جبهه داعش وارد عملیات نظامی مستقیم شد. انتقادهای وارده نیز به علت تعارض منافع دیگر کشورها با برقراری ثبات در سوریه بوده است. نتیجه آنکه به موجب منابع فقهی در مورد حمایت از امت اسلام و لزوم کمک برادرانه کشورهای اسلامی، حضور ایران در بحران سوریه از سال 1390 تاکنون بر پایه مسئولیت حمایت و کاملاً مشروع است.

واژگان کلیدی: مسئولیت حمایت، بحران سوریه، حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی.

1. دانش‌آموخته مقطع دکتری، رشته حقوق بین‌الملل، گرایش عمومی

2. استاد گروه آموزشی علوم سیاسی، دانشگاه تهران / sdaghaee@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

فلسفه وجود حکومت برای هر ملت، به نیاز شهروندان به حمایت بازمی‌گردد. به موجب منابع فقهی، خداوند اطاعت از حاکمیت مشروع را الزامی کرده است، چراکه اگر ترس از حکومت نباشد، مردم به هر کاری دست می‌زنند. از این جهت خداوند حکومت را برای ملل قرار داده و برای حکومت نیز وظایفی برشمرده است. به‌هرحال مهم‌ترین وظیفه حکومت، تأمین امنیت برای زندگی روزمره شهروندان است و هزینه این اقدام از قبال مالیات‌های پرداختی مردم تأمین می‌شود. کشور سوریه تا یک دهه پیش در زمره کشورهای کاملاً امن جهان به شمار می‌آمد و نخستین انفجارها در این کشور، از دیدگاه آگاهان، بی‌سابقه محسوب می‌شد. متأسفانه در پی وقوع بهار عربی، این کشور درگیر اعتراض‌های داخلی شد که به‌سرعت گسترش یافت و به محل جنگ چندین جبهه از جمله گروه‌های تکفیری، معترضان به حکومت، ایالات متحده امریکا و حکومت علوی بشار اسد تبدیل شد. این جنگ میلیون‌ها بی‌خانمان بر جای گذاشت که در غیاب وجود حکومتی نیرومند و باثبات، نیاز به حمایت‌های جدی دارند. باوجود گزارش‌های متعدد، تاکنون شورای امنیت وضعیت سوریه را تهدید علیه صلح یا تجاوز شناسایی نکرده است، شاید هم به دلیل موانع سیاسی که از سوی اعضای دائم شورای امنیت وجود دارد، از اعمال دکترین مسئولیت حمایت خودداری کرده است.

با توجه به ضعف حکومت سوریه در حمایت از مردم بی‌پناه، این حکومت از جمهوری اسلامی ایران که دارای روابط حسنه با آن است، یاری جست. نیروهای نظامی کشورمان نیز در قالب مأموریت مستشاری به سوریه وارد شدند و به کمک حکومت پرداختند. بسیاری از سیاست‌مداران غرب‌گرا اقدام جمهوری اسلامی را دخالت آشکار در امور داخلی سوریه دانسته‌اند و حکومت بعدی سوریه را مستحق دریافت غرامت جنگی از ایران دانسته‌اند، اما به عقیده بسیاری دیگر از سیاست‌مداران، جمهوری اسلامی ایران تنها با هدف کمک به مردم سوریه به کارزاری وارد شده است که جز مسئولیت حمایت، هدف دیگری نداشته است.

1. پیشینه تحقیق

کبیری (1391) در تحقیق خود، تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه را بررسی کرده است. امام‌جمعه‌زاده و دولت‌خواه (1394) دکترین مسئولیت حمایت را ضمن تطبیق

رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه بررسی کرده‌اند. زمانی و زمانیان (1395) به جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه توجه کرده‌اند. لاجینیانی (1395) به بررسی مسئولیت حمایت و مشروعیت مداخله بشردوستانه پرداخته است.

این پژوهش با هدف بررسی فقهی، حقوقی و سیاسی دخالت جمهوری اسلامی ایران در جنگ داخلی سوریه به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و درصدد پاسخ‌دهی به این پرسش است که معیارهای کمک جمهوری اسلامی ایران به حکومت سوریه چه بوده و با جنایت جنگی چه تفاوت‌هایی دارد؟ چنین به نظر می‌رسد که درخواست رسمی حکومت قانونی بشار اسد از ایران با هدف مستشاری، زمینه‌ای برای مشروعیت دخالت جمهوری اسلامی ایران بوده است که بر اساس قوانین بین‌الملل نیز قابل تأیید است.

2. مبانی مسئولیت حمایت

مسئولیت در لغت به معنی موظف‌بودن به انجام امری (معین، 1396: 45) یا تعهد و مؤاخذه (دهخدا، 1395: 43) و سرپرستی (عمید، 1395: 32) آمده است. حمایت نیز در لغت به معنای نگهداری (عمید، 1395: 432)، اعانت (دهخدا، 1396: 54) و پشتیبانی (معین، 1396: 43) آمده است. بر همین مبنا، مسئولیت حمایت به معنای محافظت از فرد یا افراد است. به صورت عمومی، واژه مسئولیت جایگاه ویژه‌ای در حقوق دارد. در بُعد حکومتی، حکومت وظیفه محافظت از شهروندان را بر عهده دارد که بخش زیادی از مالیات‌های دریافتی از مردم، صرف تأمین هزینه‌های امنیت می‌شود. برای یک حقوق‌دان این مسئله کاملاً قابل درک است که تکامل حقوقی در هر سطحی گواهی بر روابط نزدیک بین حقوق و اخلاق است و اخلاق در تکامل حقوق بین‌الملل نقش مهمی ایفا می‌کند. حوزه اخلاق بین‌المللی آنگاه گسترده‌تر می‌شود که اشخاص انسانی و در حقیقت انسانیت به‌عنوان نقطه مرکزی و هدف محوری مورد توجه قرار گیرد و در این صورت است که مفاهیمی همچون عدالت و حقوق بشر به طور ویژه تعقیب می‌شود (قربان‌نیا، 1382: 89).

مسئولیت حمایت به صورت ساده به معنای مسئولیت دولت و جامعه بین‌المللی در حمایت از جان بشریت در مقابل جنایات بین‌المللی است (کازرونی، 1393: 22). می‌توان گفت مسئولیت حمایت، به معنای مسئولیت دولت است در حفظ جان مردم و در صورت عدم تحقق آن از سوی

دولت، از سوی جامعه بین‌المللی اقدامات غیرقهری مانند اعمال تحریم‌ها یا قهری مانند مداخله نظامی صورت می‌گیرد و در نهایت جامعه بین‌المللی مسئولیت بازسازی آن جامعه آسیب‌دیده را دارد (آکامه^۱، 2013: 60).

2-1. مبانی فقهی مسئولیت حمایت

در قرآن کریم، نظام حقوقی و سیاسی جزئی از پیکره دین است. دلیل این ارتباط تنگاتنگ آن است که زمینه‌های اجتماعی و عوامل گوناگونی که در جامعه بشری حاکمیت یک نظام حقوقی را اقتضا می‌کند، در قرآن کریم فلسفه بعثت انبیا و فرستادن دین و کتاب‌های آسمانی از سوی خداوند تلقی شده است. گویا رسالت اصلی دین، تحقق بخشیدن به حاکمیت نظام حقوقی آن در جامعه است، هرچند حاکمیت نظام حقوقی نیز مقدمه‌ای برای تعالی بشر و سعادت اوست؛ چنانچه قرآن کریم هدف ارسال رسولان را چنین بیان می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ: مردم، ملتی یگانه بودند و خدا، پیامبران را مژده‌آور و هشداردهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خدا] را که به سوی حق دعوت می‌کرد، فرو فرستاد تا میان مردم درباره آنچه در موردش اختلاف داشتند، داوری کند» (بقره، 213).

در این آیه، مسئله رفع اختلاف میان مردم هدف بعثت انبیا مطرح شده است. در تفسیر این آیه چنین بیان شده است که لزوم یک حکومت برای برقراری عدالت در جامعه ضرورت دارد. اگر ترس از حکومت نباشد، مردم به هر کاری دست می‌زنند و زندگی در آن جامعه امکان‌پذیر نیست. پیش‌تر در قوم بنی‌اسرائیل نیز تشکیل حکومت توسط طالوت انجام شد و شیوه اداره کشور را از داوری به حکومت‌داری سلطنتی مبدل کرد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. در واقع داوران با رفع اختلاف‌های بین مردم، جامعه را اداره می‌کردند، اما تحقق عدالت برای زندگی در آنجا کافی نبود و نیاز بود تا حکومتی قدرتمند، امنیت جامعه را تأمین کند؛ از این‌رو حکومت با تعریف مسئولیت حمایتی، به جهان معرفی شد. عدالت در نگاه قرآنی، ارزش ذاتی و نفس‌الامری دارد و امنیت همه امور بدان وابسته است؛ یعنی عدالت صرف مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مفهومی عقلی و نفس‌الامری است که ریشه در هستی و فطرت انسانی دارد و همه ابعاد وجودی عالم را دربرمی‌گیرد؛

از این رو، پیوسته و مداوم مورد تأکید قرار گرفته است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: قطعاً خداوند به اجرای عدالت و نیکی امر می‌کند» (نحل: 90).

در تفسیر این آیه شریفه آمده است که لازمه برقراری عدالت در جهان، حمایت از مردم است. در واقع حکومت باید به آن اندازه قدرت داشته باشد که از شهروندان حمایت کند. همچنین در جایی دیگر آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ - إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزه‌ها فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار برای مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسولانش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هرچند) خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است» (حدید، 25).

در تفسیر آیه شریفه آمده است حکومت قدرتمند باید قوای نظامی برای دفع حمله خارجی و دفع زیان داخلی داشته باشد و مردم ملزم به همکاری با آن هستند. هدف اصلی حکومت مسلح، حمایت از مردم است. در اینجا مسئولیت حمایت برای حکومت تبیین شده است. مردم در سایه حکومت باید در امنیت باشند و فعالیت‌های روزمره‌شان را دنبال کنند. طبیعتاً در جامعه‌ای ناامن، انجام فعالیت‌های اقتصادی ممکن نیست. بحث در مورد حکومت اسلامی خارج از پژوهش کنونی است، اما تا اینجا چنین برداشت شده است که به موجب آیات قرآنی، نیاز است یک حکومت قدرتمند از مردم حمایت کند و لذا مسئولیت حمایت بر عهده حکومت خواهد بود (آقاداتی جلفائی، 1391: 75).

2-2. مبنای حقوقی مسئولیت حمایت

مسئولیت حمایت به معنای مسئولیت دولت و جامعه بین‌المللی در حمایت از جان بشریت در مقابل جنایات بین‌المللی است. در بند 203 گزارش هیئت عالی‌رتبه دبیرکل درباره تهدیدها، چالش‌ها و تغییر در سال 2004 میلادی با عنوان «جهان امن‌تر، مسئولیت مشترک ما» مسئولیت حمایت این‌چنین تعریف شده است: «مسئولیت حمایت به معنای آن است که شورای امنیت

می‌تواند در صورت وقوع ژنوساید و دیگر کشتارهای وسیع، پاک‌سازی نژادی یا نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و عدم تمایل و ناتوانی دولت‌های دارای حاکمیت در جلوگیری از آن‌ها، مداخله نظامی را به‌عنوان آخرین حربه تکلیف کند». در بند 135 گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی در سال 2005 با عنوان «به‌سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه»، مسئولیت حمایت چنین تعریف شده است: «مسئولیت حمایت به معنای مسئولیت تک‌تک کشورها در قبال حمایت و حفاظت از جان اتباع خود در برابر جنایت‌های بین‌المللی فجیع است، اما اگر مسئولان ملی قادر نیستند یا تمایلی ندارند از شهروندان‌شان محافظت کنند، این مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود تا برای کمک به حمایت از حقوق بشر و رفاه مردم از شیوه‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و غیره استفاده کند. وقتی چنین شیوه‌هایی ناکافی بودند، شورای امنیت می‌تواند بنا بر ضرورت و بر اساس منشور ملل متحد، تصمیم به اقدام بگیرد و در صورت نیاز به اقدام قهری متصل شود» (باربر¹، 2019: 80).

در سند نهایی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 2005 میلادی تعریف مشابهی مانند گزارش دبیرکل در سال 2005 به چشم می‌خورد. مسئولیت حمایت، مسئولیت دولت در حفظ جان مردم در برابر چهار جنایت یادشده (ژنوساید و دیگر کشتارهای وسیع، پاک‌سازی نژادی یا نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و عدم تمایل و ناتوانی دولت‌های دارای حاکمیت در جلوگیری از آن‌ها) است و در صورت عدم تحقق آن از سوی دولت، از سوی جامعه بین‌المللی اقدامات غیرقهری (اعمال تحریم‌ها) یا قهری (مداخله نظامی) صورت می‌گیرد و در نهایت جامعه بین‌المللی مسئولیت بازسازی آن جامعه آسیب‌دیده را دارد (باربر، 2019: 80).

3. مسئولیت حمایت جمهوری اسلامی ایران

حکومت جمهوری اسلامی ایران بر پایه ولایت فقیه شکل گرفته است که جزئی از احکام شرع اسلام است. بر همین مبنا، جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت خود را تنها به داخل مرزهای کشور محدود نکرده و نسبت به همه مسلمانان جهان از خود مسئولیت نشان داده است. مسئولیت حمایت، بخشی از دکترین نظام اسلامی است که در اینجا به تشریح آن می‌پردازیم.

3-1. طلب یاری از سوی مظلوم

قرآن کریم، کمک‌خواستن را حق هر مظلومی می‌داند و ظالمان را به عذاب اخروی بیم می‌دهد (شعراء: 227). کسانی که مورد ستم واقع می‌شوند، اگر قدرت مقابله با ظالم را نداشته باشند، این حق را دارند که طلب یاری کنند (شوری: 39) و به سبب طلب یاری، نکوهشی بر آنها نیست. این تأکیدات در آیات 41 و 42 سوره شورا نیز مشاهده می‌شود. در این آیات «انتصار»، به معنای طلب یاری است و مقاومت در برابر ظلم و دفع آن نسبت به کسی که قدرت دارد، از واجباتی است که فطرت انسانی به آن گواهی می‌دهد (طباطبایی، 1417: 64). در برابر طلب یاری مظلوم، دیگران وظیفه دارند تا او را یاری کنند؛ چراکه یاری‌طلبیدن بدون یاری‌رساندن بی‌هوده است. در حقیقت، هم مظلوم موظف به مقاومت در برابر ظالم و فریاد برآوردن است و هم مؤمنان موظف به پاسخ‌گویی به او. البته در یاری‌کردن طبق آیه 40 سوره شوری، «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِّثْلُهَا» نباید از مسیر عدالت خارج شوند و به انتقام‌جویی و تجاوز روی آورند.

حمایت از شهروندان در مقابل ظلم، وظیفه حکومت‌های متبوع است، اما اگر به هر دلیلی آن حکومت توان حمایت از شهروندان را نداشته باشد، حکومت اسلامی به موجب آیات مذکور، موظف به استفاده از امکانات خود با هدف حمایت از شهروندان مظلوم است. جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های اخیر قدرت و توانایی خود را به جهانیان اثبات کرده است، بر خود واجب می‌داند هر جا صدای مظلومان در جهان به گوش رسد، به کمک آنان بشتابد و نمونه‌های آن در قضایای فلسطین، لبنان، بوسنی و هرزگوین و غیره مشاهده شده است.

3-2. حمایت اسلام و دولت اسلامی از مستضعفان و ستم‌دیدگان

حمایت از مستضعفان و مظلومان از احکام مسلم و قطعی اسلام و یکی از ارکان اصول سیاست خارجی دولت اسلامی است. دولت اسلامی تنها در قبال مردم تحت حاکمیت خود مسئول نیست تا در صورت تجاوز دشمن به آنها درصدد دفاع باشد، بلکه علاوه بر آنها، در دفاع از امت اسلامی و حتی تمام مستضعفان جهان مسئولیت دارد. برخی آیات قرآن کریم، مسئولیت دولت اسلامی نسبت به مسلمانانی را که به دارالسلام هجرت نکرده‌اند، این‌گونه بیان می‌فرماید:

«آنان که به خدا ایمان آوردند و از وطن خود هجرت کردند و در راه خدا با مال و جان‌شان کوشش و فداکاری کردند (مهاجرین مکه) و هم آنان که (به مهاجرین) منزل دادند و یاری کردند

(انصار مدینه)، دوستدار و مددکار یکدیگرند و آنهایی که ایمان آورده‌اند ولی مهاجرت نکرده‌اند هرگز شما دوستدار و طرفدار آن‌ها نباشید تا وقتی که هجرت گزینند، ولی اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند، بر شماست که آن‌ها را یاری کنید؛ مگر آنکه با قومی که با شما عهد و پیمان (مسالمت) بسته‌اند به خصومت برخیزند و خدا به هر چه می‌کنید بیناست» (انفال، 72).

این آیه، ولایت بین مؤمنان مهاجر و غیرمهاجرین را نفی می‌کند؛ مگر ولایت نصرت. البته به شرط اینکه بین آن‌ها و گروه متجاوز میثاقی نباشد (طباطبایی، 1417: 145)؛ بنابراین مسلمانانی که تحت سیطره حاکمان ظلم و جور هستند، اگرچه قدرت مهاجرت هم داشته باشند، ولی مهاجرت نکنند، در صورت طلب یاری، بر دولت اسلامی و همه مسلمانان لازم است به ندای آن‌ها پاسخ دهند؛ مگر اینکه بین دولت اسلامی و آن دولت، پیمانی باشد که باید به آن پیمان متعهد بمانند.

3-3. نصرت الهی

خداوند در قرآن وعده یاری به کسانی که در راه او قیام کنند، داده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ — إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: 40 و 60؛ توبه: 14) و این نصرت الهی شامل پیامبران و همچنین مؤمنان می‌شود» (غافر: 51). این سنت الهی در مورد همه انبیا بوده و قرآن در داستان‌های مختلفی که از آن‌ها نقل می‌کند، به این امداد الهی در برابر طاغوت‌ها اشاره می‌کند و خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید: «وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا» (فتح: 3). نصرت نهایی شامل مستضعفان می‌شود و قرآن با وعدهایی که می‌دهد، نقطه امیدی در دل تمام آن‌ها به وجود می‌آورد: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: با تحقق این وعده الهی، تمام مستضعفان نجات می‌یابند و علاوه بر آن، حاکمان و وارثان الهی بر روی زمین خواهند بود» (قصص: 5).

بر همین مبنا، حکومت اسلامی باید پیروزی مسلمانان را مدنظر داشته باشد و اگر در جایی ضعف امت اسلامی را مشاهده کرد، برای حمایت از آنان گام بردارد. پیروزی رزمندگان حزب‌الله لبنان علیه اسرائیل در چند مرحله با وعده نصرت الهی بوده است که محقق شد.

3-4. نظریه مسئولیت حمایت در رویه و گفتار پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)

عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی از جمله احکام و مقررات اسلامی و یکی از اهداف حکومت اسلامی است و منابع روایی تأکید بسیاری بر آن دارند. در بسیاری از روایات به ارتباط مسلمانان، اطلاع آن‌ها

از اوضاع یکدیگر و کمک به همدیگر، تأکید شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است، به او ظلم روا نمی‌دارد و دست از یاری‌اش بر نمی‌دارد و در برابر حوادث، او را تنها نمی‌گذارد» (فیض کاشانی، 1340: 332)؛ حتی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «اگر مسلمانی به فریادرسی مسلمان دیگر نشتابد مسلمان نیست». در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «اگر مسلمانی نسبت به فریادرسی انسانی دیگر (ولو غیرمسلمان)، بی‌تفاوت باشد، مسلمان نیست» (کلینی، 1365: 165).

3-5. مقابله با سلطه‌جویی بر مسلمانان

نظریه مسئولیت حمایت، مقتضی و مستلزم مقابله با سلطه‌جویی است. سلطه‌جویی یکی از مصادیق ظلم است که مقابله با آن مورد تأکید اسلام بوده است و جلوگیری از امکان برقراری هر نوع سلطه‌ای از ناحیه کفار، وظیفه دولت اسلامی است. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه در روابط مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی از اصول روابط خارجی دولت اسلامی است.

در عرصه بین‌الملل، برخی گروه‌ها و دولت‌های کفار از هر موقعیتی برای جلوگیری از نشر اسلام و تهدید کيان اسلامی استفاده می‌کنند که آیات بسیاری به این مطلب اشاره دارند. کفار نمی‌خواهند خیری به مسلمانان برسد (بقره: 105)؛ و اگر خیری به مسلمانان برسد ناراحت می‌شوند، اما اگر حادثه ناگواری برای مسلمانان رخ دهد، اظهار شادمانی می‌کنند (آل عمران: 120). به همین دلیل، قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند اسرار خود را به غیرمسلمانان نگویند؛ زیرا آن‌ها از هرگونه شر و فساد دربارۀ مسلمانان کوتاهی نمی‌کنند و دوست دارند مسلمانان همیشه در رنج باشند، نشانه‌های دشمنی در کلام‌شان آشکار است و کینه‌ای که در دل دارند، بیشتر است (آل عمران: 18). کینه و دشمنی زبانی کفار در صورتی است که قدرتی نداشته باشند، اما اگر قدرت یابند هیچ ملاحظه‌ای نسبت به مسلمانان نمی‌کنند (توبه: 8). قرآن نیز به دلیل دشمنی‌های کفار نسبت به مسلمانان دستور می‌دهد تا همیشه آماده باشند و نیروهای خود را تقویت کنند (انفال: 60).

نتیجه اینکه اگر در جایی خارج از کشور اسلامی مسلمانان تحت سلطه کفار قرار گیرند، زمینه برای سلطه بر تمامی مسلمانان فراهم می‌شود؛ از این رو نیاز است از همان ابتدا، با سلطه مقابله شود تا بر کل جامعه اسلامی مسلط نشوند.

3-6. نظریه مسئولیت حمایت و امنیت ملی

مفاد و ماهیت تعاریف در حوزه امنیت، در واقع به الزامها و اقداماتی مربوط می‌شود که بقای کشور و دولت ملی را در مقابل تهدیدهای امنیت ملی از طریق به‌کارگیری اقتصاد، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزارهای دیپلماسی، حفظ می‌کند. برخی نویسندگان تهدیدهای مربوط به امنیت ملی را به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند و برای تهدیدهای داخلی بیست قلمرو و برای تهدیدهای خارجی دوازده مصداق برشمرده‌اند (زارعی، 1386: 190). عده‌ای نیز از تهاجم نظامی، مداخله نظامی برای کمک به شورشیان و مخالفان داخلی، توطئه یا دسیسه برای نفوذ و تدارک کودتا، براندازی با حمایت از افراد و گروه‌های ناراضی علیه حکومت مستقر، عملیات پنهان سیاسی و تبلیغات خارجی علیه حکومت، به‌عنوان تهدیدهای خارجی علیه امنیت ملی نام می‌برند. همچنین استفاده از جنگ چریکی، تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و درگیری‌های قومی را تهدیدهای داخلی علیه امنیت ملی دانسته‌اند (روشندل، 1388: 158-138). تهدیدهای امنیت ملی را می‌توان به تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و محیط زیست تقسیم‌بندی کرد که جوهره همه آنها صیانت از کشور در قبال خطرها و تهدیدهای اساسی نسبت به سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی است.

4. مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت

مخالفان ورود شورای امنیت در قضایای مربوط به مداخله بشردوستانه به بند هفتم از ماده دوم منشور اشاره می‌کنند که سازمان ملل را از دخالت در اموری که در اساس در صلاحیت داخلی دولت‌هاست منع می‌کند. اینان با قیاسی منطقی اجازه مداخله بشردوستانه را به شورا نمی‌دهند؛ چه آنکه مقدمه دوم قیاس این است که حقوق بشر موضوعی صرفاً داخلی است و هرچند سازمان ملل نسبت به حقوق بشر تعهد دارد، ولی تعهدی کلی است و عبارت است از همکاری در جهت افزایش احترام به حقوق بشر. صاحبان این نظریه به مسئله حاکمیت دولت‌ها توجه خاصی دارند و نگران نقض آن توسط قدرت‌های بزرگ هستند. به اعتقاد اینان اصل حاکمیت و قاعده عدم جواز مداخله در امور داخلی دولت‌ها، در حقیقت سنگر دولت‌های ضعیف‌تر در برابر دولت‌های قدرتمندی است که مایل‌اند به بهانه‌های مختلف، منافع سیاسی و اقتصادی خود را در کشورهای دیگر دنبال کنند (سرتیبی و فرزانه، 1394: 80).

بند هفتم از ماده دوم منشور سازمان ملل متحد اعلام داشته است: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد تا در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی هر دولت است، دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین اموری را بر اساس این منشور فیصله دهند؛ ولی این اصل نافی اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی‌شده در فصل هفتم نیست». قید صلاحیت داخلی دولت از اهمیت خاصی برخوردار بوده و ناظر بر اموری است که هر دولت درباره آن‌ها صلاحیت تام و تمام داشته و می‌تواند با صلاح‌دید خود درباره آن‌ها تصمیم بگیرد. بدیهی است در مواردی که دولتی تعهدی بین‌المللی داشته باشد، باید آن تعهدات را در رویه خود لحاظ کند؛ در غیر این صورت، ممکن است مسئولیت بین‌المللی آن مطرح شود و آثار و پیامدهای نقض تعهدات بین‌المللی بر آن تحمیل شود. به عبارت دیگر، حد صلاحیت داخلی دولت را باید با تعهدات بین‌المللی هر دولت تعیین کرد. البته باید بین انواع تعهدات بین‌المللی نیز تمایز قائل شد. آنچه در تعیین حد و دامنه اصل عدم مداخله اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، تعهداتی است که دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل عام و قواعد مربوط به نظم عمومی بین‌المللی بر عهده دارند. عده‌ای با مبنا قراردادن اصل عدم مداخله و منع توسل به زور، مداخله بشردوستانه را موجه نمی‌دانند و بر اساس منشور، تنها استثنای وارد بر اصل استفاده از زور را دفاع مشروع فردی و جمعی و سیستم امنیت دسته‌جمعی در چهارچوب شورای امنیت سازمان ملل، می‌دانند (اوانس، 2009: 70).

مفهوم مداخله بشردوستانه مفهوم چالش‌برانگیزی در حقوق بین‌الملل و قواعد مربوط به آن بوده است. به نظر می‌رسد این مفهوم در ابتدا با مفاهیمی مانند اصل عدم مداخله و عدم توسل به زور و همچنین اصل حاکمیت دولت در تعارض باشد؛ اما مسئولیت حمایت مفهوم تقریباً تازه‌ای است که سعی در پیوند میان حاکمیت و مداخله بشردوستانه و رفع تعارض‌های بین این مفهوم و حاکمیت، عدم توسل به زور و عدم مداخله داشته است. این مفهوم از آنجا که مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است، می‌تواند پاسخ مناسبی در راستای حل این تعارض‌ها باشد (اوانس، 2009: 70).

مفهوم مداخله بشردوستانه در جامعه بین‌المللی بسیار بحث‌برانگیز است و موافقان و مخالفان فراوانی با استدلال‌های مختلف حقوقی آن را رد یا اثبات کرده‌اند. از سویی شاهد نقض قواعد بنیادین حقوق بشر در کشورهای مختلف هستیم که وجدان بشریت را به درد آورده و آن را

جریحه‌دار کرده است و با گسترش پیوندهای جهانی، روحیه نوع‌دوستی و افکار عمومی جهانی خواستار مداخله برای پایان‌دادن به نقض حقوق بشر و التیام و بهبودی فاجعه بوده‌اند؛ ولی از سوی دیگر مداخله با بهانه بشردوستانه علاوه بر اینکه در ظاهر مغایر با برخی موازین حقوق بین‌الملل مانند اصل حاکمیت، اصل عدم توسل به زور و نیز اصل عدم مداخله بوده است، این اصل می‌تواند به‌زعم کشورهای جهان سوم زمینه مداخله کشورهای توسعه‌یافته را در سرزمین‌هایشان فراهم کند (اوانس، 2009: 70).

4-1. مداخله بشردوستانه در امور سوریه

بحران سوریه از ژانویه 2011 با اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردم که تا حدودی متأثر از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه، موسوم به «بهار عربی» یا به قولی «بیداری اسلامی» که خواهان برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشورها بودند، آغاز شد. برخلاف بیشتر جنبش‌های منطقه که در آن‌ها حاکمان، تقریباً به‌آسانی تسلیم خواسته‌های مردم شدند، جنبش مخالفان رژیم سوریه و اعتراض‌های مردمی، پس از مدتی به دلیل عدم پاسخ‌گویی دولت به مطالبات مردم و دخالت عوامل خارجی، به خشونت کشیده شد (فانج¹، 2018: 701).

با گسترش خشونت‌ها و کشته‌شدن شمار زیادی از مردم، عده‌ای از سربازان و افسران از ارتش سوریه جدا شدند و نیرویی به نام «ارتش آزاد سوریه»² را تشکیل دادند. ارتش آزاد سوریه به همراه «شورای ملی سوریه»³ به مقابله با ارتش سوریه پرداخت. دولت سوریه با تروریست خواندن مخالفان ادعا می‌کرد همگی آن‌ها مسلح هستند و بر پایه اختلاف‌های قومی و مذهبی دیرینه‌ای که در میان مردم کشور ریشه دارد و همچنین حمایت کشورهای خارجی، دست به اقدامات تروریستی زده‌اند و امنیت کشور را مختل می‌کنند؛ از این‌رو ارتش ناگزیر است برای حفظ امنیت، به مقابله نظامی با مخالفان مسلح و فعالیت‌های تروریستی‌شان بپردازد. بشار جعفری نماینده سوریه در سازمان ملل، بارها ضمن انکار وجود جنگ داخلی در سوریه، تأکید کرده بود دولت‌ش در حال جنگ با گروه‌های تروریستی مورد حمایت عربستان و قطر و برخی کشورهای غربی است که هدف‌شان بی‌ثبات کردن سوریه و تغییر رژیم در این کشور است. وجود بحران در سوریه سبب شد از همان ماه‌های آغازین

1. Fung

2. Free Syrian Army

3. Syrian National Council

بحران، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای حل آن کوشش کنند (هاتو^۱، 2013: 50).

به دنبال وقوع منازعات مسلحانه و خشونت‌بار در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، اعتراض‌های گسترده‌ای نیز از مارس 2011 در شهرهای مختلف سوریه شکل گرفت و درگیری‌های خشونت‌باری میان ارتش سوریه و مخالفان، موجبات ناامنی، بی‌ثباتی و گسترش بحران را فراهم آورد. عوامل داخلی گوناگونی در شکل‌گیری اعتراض‌ها و تبدیل آن به بحران در سوریه نقش داشته‌اند که اقتصاد ضعیف و تأثیر منفی بحران اقتصادی بین‌المللی بر بخش‌های مختلف زندگی مردم، کاهش سطح رفاه، فساد مالی و اداری گسترده، نادیده‌گرفتن انتظارات نسل جوان، فقدان پاسخ‌گویی مناسب به مطالبات مردم برای اصلاحات سیاسی، معضلات قانونی و قانون‌گذاری و بی‌توجهی به روند دموکراسی‌خواهی مردم، و فقدان مدیریت صحیح اعتراض‌های اولیه و تبدیل آن به بحرانی گسترده، از آن جمله‌اند (آریماتسو^۲ و چوتهوری^۳، 2014: 27).

کشور ما ایران در چند دهه گذشته روابط حسنه‌ای با سوریه داشته است. حتی در رژیم سابق نیز این نوع روابط وجود داشته است که سفر حافظ اسد رییس‌جمهور فقید سوریه به ایران در سال 1354، نشان از منافع مشترک دو کشور در آن زمان بوده است. پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران، دو کشور روابط خود را در سطح عالی ادامه دادند و در زمان جنگ ایران و عراق، سوریه تنها کشور عربی بود که رسماً از ایران حمایت کرد. منافع استعماری غرب در سوریه، از جذابیت کمک به حکومت قانونی کاست و مداخله‌های آنان در امور داخلی سوریه تنها به آتش جنگ داخلی افزود، اما جمهوری اسلامی ایران بر پایه قواعد فقهی بیان‌شده، حمایت از مردم مسلمان سوریه را وظیفه شرعی خود دانست. در این بحران که حکومت سوریه به‌تنهایی توان مقابله با دشمن را ندارد، جمهوری اسلامی ایران به موجب قواعدی که پیش‌تر در مورد آن توضیح داده شد، در حمایت از مردم این کشور به یاری حکومت قانونی شتافت و این مداخله به درخواست رسمی دولت قانونی سوریه صورت گرفت. نمی‌توان عنوان مداخله نامشروع را به این مورد داد، زیرا کاملاً بشردوستانه و با اجازه دولت قانونی این کشور بوده است که از دیدگاه حقوق بین‌الملل نیز مشروعیت کامل دارد (کوهن^۴ و گارد^۱، 2020: 43).

1. Hatto
2. Arimatsu
3. Choudhury
4. Cohen

2-4. مداخله‌های ناموفق جامعه بین‌الملل

برعکس قضیه لیبی و باوجود قطعنامه‌های متعدد درباره نقض گسترده حقوق بنیادین انسان و تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، به‌ویژه در هنگامه وقوع منازعه‌ها و مخاصمه‌های مسلحانه داخلی، شورای امنیت به واسطه ممانعت روسیه و چین با هرگونه مداخله یا اقدامی که در مرحله واکنشی برای مسئولیت حمایت در نظر گرفته شده است، واکنش مناسبی در قبال بحران سوریه نشان نداد. وتوی مکرر قطعنامه‌های پیشنهادی، در عمل، محدوده اقدام و ایفای وظایفی را که در راستای ماده 24 منشور از بابت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به اعضای دائم آن داده شده است، بسیار محدود و ناکارآمد کرد. در مقابل، اقدام‌های اولیه شورا به صدور بیانیه موضوع ماده 39 منشور انجامید که از قضا غیرالزام‌آور است.

در زمان استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سال 2013 که بر اساس ادعاهای تأییدنشده دول مخالف بشار اسد، متناسب به ارتش سوریه است، شورا به اتفاق، طی قطعنامه شماره 2128 مورخ 27 سپتامبر 2013 با محکوم کردن به کاربردن این نوع سلاح‌ها در منطقه الغوطه شرقی ریف دمشق و با تأکید بر اینکه استفاده از سلاح شیمیایی نقض جدی حقوق بین‌الملل است، هر دو طرف درگیر را از به‌کارگیری این نوع سلاح ممنوع کرد و مقررات سخت‌گیرانه‌ای را وضع کرد. شورای امنیت حتی دولت‌های ثالث را موظف کرد در صورت آگاهی از تهیه و تأمین سلاح شیمیایی، تجهیزات، کالاها و فناوری یا کمک‌های مربوطه از سوریه به خارج از آن توسط اتباع یا با استفاده از شناورها یا هواپیماهای تحت پرچم آن، اعم از اینکه با مبدأ قلمرو سوریه باشند یا خیر، آن را ممنوع کنند. همچنین در بند 21 به صراحت اعلام داشت هرگونه تخطی موجب اتخاذ تدابیر مندرج در فصل هفتم منشور می‌شود (پالمبو²، 2019: 43).

قطعنامه 2254 مصوب 18 دسامبر 2015 شورای امنیت که به دنبال بیانیه گروه بین‌المللی حمایت از سوریه در نوامبر 2014 در وین صادر شد، اهمیت ویژه‌ای در این زمینه دارد. در مقدمه این قطعنامه، به وضعیت انسانی وخیم و رنج عمیق ملت سوریه ناشی از منازعه جاری و خشونت مداوم و وحشیانه نابودی فیزیکی آن کشور، اشاره مستقیم می‌شود که در حقیقت تأیید نقض گسترده و

1. Garrard
2. Palumbo

نظام‌مند حقوق بنیادین مردم سوریه در قالب تعریف دکترین مسئولیت حمایت است. در ادامه از تمامی طرف‌های درگیر درخواست می‌شود گام‌های مناسبی را برای حفظ جان شهروندان بردارند و تأکید می‌شود مسئولان و دولتمردان سوریه بیش از همه مسئول جان مردم آن کشورند؛ بنابراین نقض عامدانه این حقوق بنیادین توسط دولت سوریه و همچنین گروه‌های معارض و ناتوانی دولت مرکزی در حفظ آن در بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی که تحت کنترل مخالفان قرار دارد، به نظر حتمی می‌رسد (نوت^۱، 2020: 20).

با تمرکز بر بندهای 1، 2، 4 و 5 قطعنامه^۲ 2254 شورای امنیت که خواهان آتش‌بس، مذاکرات سیاسی میان دولت و مخالفان غیرتروریست، تشکیل دولت ائتلافی ظرف شش ماه و برگزاری انتخابات سراسری تحت نظارت سازمان ملل طی مدت هجده ماه بوده است، باید آن را در قالب مراحل واکنشی و بازسازی در دکترین مسئولیت حمایت دانست. بند هشتم قطعنامه بر مقابله با گروه‌های تروریستی مانند داعش، جبهة النصرة و القاعدة و لزوم برخورد و مقابله عملی و مؤثر با تروریسم بین‌المللی تأکید دارد. در بندهای 12 و 13 با اتکا به قطعنامه^۳ 2165 مصوب 2014 که تمدید هم شده است، بحث اجازه دسترسی سریع و مطمئن سازمان‌های ارائه‌کننده کمک‌های بشردوستانه در سوریه مطرح و تصویب می‌شود و همه طرف‌ها را به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی متعهد می‌کند. نکته حائز اهمیت دیگری که در مرحله بازسازی می‌گنجد، بند 14 قطعنامه است که تمامی طرف‌های درگیر نظامی در سوریه و دولت‌ها را به اتخاذ تمهیدات عملی اجرای پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان - با نگاه به کنفرانس لندن در مورد مردم سوریه که در فوریه 2016 برگزار می‌شود - دعوت می‌کند (اکزایس^۲ و همکاران، 2020: 586).

به‌طور کلی می‌توان مداخله جامعه ملل در بحران سوریه را ناموفق دانست که به‌هیچ‌وجه حمایت از مردم سوریه را به صورت عملی اجرا نکرد. سازمان ملل متحد تنها به محل جدال بین اعضای خود مبدل شد و قطعنامه‌هایی صادر کرد که در عمل قابلیت اجرایی نداشت. سازمان ملل در حالی خواهان پایان درگیری‌هاست که ابرقدرت‌ها در عمل در جهت توسعه این جنگ با هدف سرنگونی دولت بشار اسد در تلاش‌اند؛ از این رو صدور قطعنامه^۴ پایان منازعه بدون درخواست از کشورها بر پایان حمایت‌های نامشروع‌شان، در عمل حمایتی از مردم بی‌پناه سوریه به عمل نیامورد و حتی در

1. Notte

2. Ekzavez

مسائل بشردوستانه، الزامی را برای کمک به این مردم قرار نداد؛ از این رو مداخله سازمان ملل در بحران سوریه را می‌توان کاملاً ناموفق قلمداد کرد.

3-4. مداخله‌های ناموفق سازمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌ها

یکی از سازمان‌های فعال در برخورد با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در بحران سوریه، نسبت به هر دو طرف درگیر، اتحادیه اروپاست که از جمله در 27 فوریه 2012 علاوه بر مسدودکردن دارایی‌های بانک مرکزی سوریه و ممنوعیت پروازهای باری از سوریه به اروپا، محدودیت‌هایی دربارهٔ معامله‌های مربوط به طلا و سایر فلزات گران‌بها وضع کرد. سپس در چهارم ژوئن 2013 با تشدید تحریم‌ها مانند ممنوعیت سفر برخی مقامات نظامی و سیاسی سوریه، به ممنوعیت صادرات و واردات تجهیزات ارتباطی به مقصد سوریه و از آن پرداخت. همچنین در اول مارس 2013 تحریم تسلیحاتی خود را برای انتقال وسایل و تجهیزات نظامی به مخالفان دولت بشار اسد، لغو کرد (خان احمد بیگی، 1392: 10-24).

اتحادیه اروپا در 30 آوریل 2013 طی قطعنامهٔ جدیدی محدودیت خود را برای فروش و اجازهٔ واردات نفت خام برای تقویت مالی نیروهای مخالف دولت سوریه کاهش داد و به کشورهای عضو اجازهٔ معامله و سرمایه‌گذاری در حوزهٔ صنعت نفت با ائتلاف مخالفان را داد. در ژوئیه 2013 نیز اتحادیه اروپا شاخهٔ نظامی حزب‌الله لبنان را به دلیل پشتیبانی تاکتیکی برای کمک به دولت سوریه در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. اتحادیه اروپا در 27 می 2013 تحریم تسلیحاتی مخالفان دولت بشار اسد را به پایان رساند و بالاخره طی دو قطعنامه، یکی در دوم ژوئن 2014 و دیگری در اوت 2014، به ترتیب گروه جبههٔ النصره و گروه دولت اسلامی شام و عراق (داعش) را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد (عسگری، 1394: 15).

از دیگر اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در جریان بحران سوریه، اتحادیه عرب است. این اتحادیه با توجه به اساسنامهٔ خود، خاصه مواد 2 و 3 در تحکیم ارتباط میان کشورهای عضو و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی با لحاظ ماهیت عربی‌بودن کشور سوریه، نقش ویژه‌ای داشته است. از آنجاکه یکی از اهداف اتحادیه عرب، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، اقدامات آن را باید در راستای مواد 52 و 53 فصل هشتم منشور ملل

متحد قلمداد کرد. همچنین اقدام اتحادیه در ورود به بحران سوریه در راستای ماده 54 منشور قلمداد می‌شود که تصریح می‌کند فعالیت‌هایی که به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط مؤسسه‌های منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرند یا موردنظر است، باید در همهٔ مواقع کامل به اطلاع شورای امنیت برسد.

اقدام‌های اولیهٔ این اتحادیه در بحران سوریه و اقدام‌های تأمینی بعدی از جمله تعلیق عضویت دولت بشار اسد در اتحادیه و اعطای کرسی سوریه به ائتلاف ملی سوریه، اعزام ناظران بی‌طرف به‌ویژه همکاری در اجرای قطعنامهٔ 2042 شورای امنیت در 2012 و اعمال تحریم‌های مالی، سیاسی و تلاش برای تصویب قطعنامه در شورای امنیت علیه نقض‌های مکرر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را باید در چهارچوب دکترین مسئولیت حمایت دانست. همان‌گونه که سازمان همکاری‌های اسلامی بر اساس بند چهارم از مجموعه اهداف ذیل ماده دوم اساسنامهٔ خود، وظیفه‌ای مشابه اتحادیه عرب را عهده‌دار است و عضویت دولت سوریه را در اجلاس جده به حالت تعلیق درآورد (علی‌محمدی، 1396: 74).

ریشهٔ مشکلات سوریه با دیگر کشورهای عربی در مرحله نخست به وجود حکومت علوی بشار اسد بازمی‌گردد که سرآغاز مخالفت‌های آنان با حکومت بعث عراق در دهه 70 میلادی بود. بر این اساس، سازمان‌های منطقه‌ای که به نحوی با مسئله سوریه درگیر بودند، بی‌طرفی لازم را در حل منازعه‌ها نداشتند. اختلاف‌نظرهای کشورهای عربی با سوریه طی چندین دهه، انکارناپذیر بوده و هم‌اکنون که برخی کشورهای عربی آلت دست غربی‌ها شده‌اند، نمی‌توان به حُسن‌نیت آنان اعتماد داشت. برخی از کشورهای همسایه از مردم سوریه حمایت کرده‌اند مانند اردن، لبنان، ترکیه و عراق. سازمان ملل متحد نیز کمک‌هایی برای حمایت از مردم پناهنده قرار داده است که ناکافی به نظر می‌رسد. این کشورها تنها معدودی از پناهندگان را مورد حمایت قرار داده‌اند و از ماندگاری آن‌ها در هراس‌اند. بسیاری از آوارگان سوری راه اروپا را در پیش گرفته و به‌سختی برای خود خانمانی تشکیل داده‌اند. به‌رحال نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حمایت از مردم سوریه را می‌توان بسیار ضعیف‌تر از نقش سازمان ملل دانست و تلاش‌های آن ناموفق بوده است.

5. آثار مداخله جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه

همان‌طور که بیان شد، به واسطه رابطه حسنه بین دو کشور، ایران نخستین کشوری بود که در جریان مشکلات ایجادشده برای سوریه، در کنار دولت قانونی آن قرار گرفت. این کمک‌ها تنها جنبه مستشاری و مشاوره‌ای داشته و جمهوری اسلامی ایران جز در جبهه‌های جنگ داعش، در جایی دیگر اقدام مستقیم نظامی برای سوریه انجام نداد. تمامی اعمال نظامی ایران نیز با هماهنگی ارتش این کشور بوده است. در این قسمت به تبیین آثار ورود جمهوری اسلامی به منازعه سوریه پرداخته می‌پردازیم.

5-1. کمک به مسئولیت حمایت دولت قانونی سوریه

در مورد اصل مسئولیت حمایت، بحث‌های متعددی بیان شده است. حکومت برای اجرای وظیفه حمایت از شهروندان خود باید توان لازم را داشته باشد و در صورت لزوم، با در نظر گرفتن مصالح کشور از دولت دیگری کمک گیرد. در منابع حقوق بین‌الملل، ماده‌ای یافت نمی‌شود که اجرای مسئولیت حمایت را منوط به اجرا توسط خود حکومت کرده باشد و ضرورت کمک‌نگرفتن از دیگران را طرح کرده باشد (سیمبر و قربانی، 1391: 54). از سوی دیگر منابع فقهی و حقوقی کشورمان، کمک‌کردن به ملت مسلمان را نه تنها منع نکرده‌اند، بلکه به موجب آنچه پیش‌تر بیان شد، توصیه به آن نیز کرده‌اند، ولی کمک‌گرفتن از ملت بیگانه نباید با قاعده نفی سبیل در تعارض باشد. به موجب این قاعده فقهی، نباید بیگانگان بر ملت اسلامی مسلط شوند. در واقع برای کمک‌گرفتن از ملت بیگانه، محدودیت‌هایی ایجاد شده است که به موجب آن باید شرایط امنیتی مدنظر قرار گیرد که به مقامات عالی امنیتی حکومت مرتبط است. اگر در شرایطی حاکمیت بر امت اسلامی در اختیار حکومت باقی بماند، مشکلی در یاری‌جستن از کشور دیگری وجود ندارد. بر همین مبنا، دولت سوریه که توانایی کافی در حمایت از غیرنظامیان را نداشت، از ایران که خود حکومتی اسلامی است، یاری جست و مأموریت‌های مشاوره‌ای نظامی از سوی جمهوری اسلامی ایران به سوریه داده شد. این اقدامات برخلاف هیچ‌یک از مقررات فقهی، حقوقی و سیاسی نبوده است، اما خلاف منافع ابرقدرت‌ها در این جنگ خانمان‌سوز بود که سبب مخالفت‌شان نیز شد.

5-2. اجرای دکترین حکومت اسلامی

در جنگ داخلی سوریه، غیرنظامیان زیادی تحت ظلم و ستم قرار گرفتند و بسیاری از آنان کشته شدند. حضور چندجانبه در این جبهه، قضاوت در مورد مسائل حقوقی این حوزه را دشوار می‌کند، اما در این

میان، حضور داعش به عنوان یک گروه تروریستی، انکارناپذیر است. این گروه به ظاهر اسلامی بدترین جنایات‌های تاریخ را مرتکب شده است و تحت هیچ منبع حقوقی نمی‌توان از آن‌ها حمایت کرد و تنها بر اساس منافع برخی کشورها، از آن‌ها حمایت شده است (جوکار، 1392: 65). نظام اسلامی وظیفه داشته است که با بدنامی اسلام مبارزه کند. مقابله با اقدامات وحشیانه این گروه تروریستی می‌تواند در رسالت حکومت ولایت فقیه باشد که در پناه آن، غیرنظامیان در معرض خطر، تحت پوشش و حمایت قرار گرفته و این عمل کاملاً با تعالیم فقهی که پیش‌تر بیان شد، هماهنگی دارد. حضور نظامی کشورمان در عراق و سوریه که با هدف مقابله با نیروهای داعش بود، عمل صحیحی بر مبنای دکترین ولایت فقیه بوده است که حمایت از غیرنظامیان نیازمند حمایت در پناه آن ایجاد می‌شود. جمهوری اسلامی تنها در مقابل گروه داعش به اقدام مستقیم نظامی دست زد که کاملاً دارای توجیه شرعی و حقوقی است، اما در مقابل گروه‌های دیگر همچون ارتش آزاد سوریه، اقدامی آنجا نداد و تاکنون سندی مبنی بر تقابل مستقیم نظامی بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر گروه‌های درگیر جنگ منتشر نشده است، اما مأموریت مستشاری جمهوری اسلامی ایران توسط مقامات کشورمان به تأیید رسیده است؛ از این رو اقدام کشورمان در سوریه کاملاً صحیح و پسندیده بوده است.

3-5. حاکمیت ملی سوریه

همان‌طور که بیان شد، حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه تنها به درخواست حکومت قانونی این کشور بوده است. مداخله جمهوری اسلامی در این کشور کاملاً بشردوستانه تلقی می‌شود و به هیچ‌عنوان ناقض حاکمیت ملی سوریه نبوده است. از آنجاکه حکومت سوریه در حمایت از غیرنظامیان ضعیف عمل کرد، جمهوری اسلامی با اجازه حاکمیت سوریه به آن‌ها کمک کرده و زحمات زیادی در این باره متحمل شد. صرف هزینه‌های فراوان از سوی کشورمان، ارسال غذا و مواد دارویی به صورت هوایی به مردم تحت محاصره، محافظت از مردم غیرنظامی در برابر حملات داعش، مشاوره به نظامیان سوریه در راستای محافظت از مردم و تلاش همه‌جانبه در راستای بازگرداندن وضعیت عادی به سوریه، همگی در راستای منافع ملی این کشور بود و با هیچ‌یک از مفاد حقوقی ناسازگاری ندارد (زمانی و زمانیان، 1395: 43).

از آنجاکه حکومت قانونی سوریه در محور مقاومت جای داشت و در راستای منافع اسرائیل و

غرب حرکت نمی‌کرد، بی‌شک ابرقدرت‌ها خواستار تعویض حکومت و قراردادن حکومتی تابع آن‌ها بودند. جمهوری اسلامی ایران تعهدی ندارد در جهت منافع کشورهای دیگر در حرکت باشد، تنها پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل از تعهدات کشورمان است که به موجب کمک به مسئولیت حمایت دولت سوریه و حضور مستشاری در این کشور به درخواست دولت قانونی بشار اسد، این امر نقض حاکمیت ملی سوریه محسوب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

هر حکومتی در جهان مسئولیت حمایت از شهروندان خود را دارد و به موجب اسناد حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت آن است. دین مبین اسلام به موجب آیات قرآنی و روایت‌ها، مسئولیت حمایت از امت اسلام و دیگر مسلمانان در پناه اسلام را بر عهده حکومت اسلامی گذاشته است. در حال حاضر امنیت بی‌نظیر کشورمان نشان از اجرای صحیح این وظیفه دارد. در منابع گفته شده، لزوم حمایت از دیگر امت اسلامی در خطر نیز توصیه شده است و برای کمک‌گرفتن از دیگر کشورها در این زمینه به موجب قاعده نفی سبیل، منافع ملی کشور باید رعایت شود. در بحران سوریه، به دلیل چند دهه روابط حسنه میان دو کشور، سوریه از جمهوری اسلامی ایران یاری طلبید و کشورمان به این درخواست پاسخ مثبت داد. از این جهت حضور مستشاری و مشاوره‌ای در این کشور، مداخله بشردوستانه به شمار می‌رود. حضور نظامی کشورمان در سوریه به جنگ با داعش مرتبط بوده است که با امنیت کل منطقه در ارتباط مستقیم قرار داشت و کاملاً در راستای حمایت از امت مسلمان منطقه صورت گرفت. انتقادات به حضور ایران در سوریه به منافع ابرقدرت‌ها بازمی‌گردد که با دکتترین ولایت فقیه در تضاد است و جمهوری اسلامی لزومی به پیروی از آن‌ها نمی‌بیند؛ از این رو اعمال کشورمان طی بحران سوریه کاملاً با منابع فقهی، حقوقی و سیاسی منطبق است.

فهرست منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ دولت‌خواه، زهرا (1394)، «دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه»، راهبرد، 24 (77).
- آقادودی جلفائی، مسیح (1391)، نقش دکترین مسئولیت حمایت در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.
- جوکار، محمدصادق (1392)، تحولات سوریه و سناریوهای احتمالی، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- خان احمد بیگی، سمانه (1394)، «تأثیر سیاست امریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فرا آتلانتیک»، فصلنامه سیاست خارجی، 27 (4).
- روشندل، جلیل (1388)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: کتاب‌سرای عدالت.
- زارعی، بهادر (1386)، نگرشی بر سیاست خارجی ایران در ژئوپلیتیک منطقه خزر و آسیای جنوبی، تهران: انتشارات دادگستر.
- زمانی، سید قاسم؛ زمانیان، سورنا (1395)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، مطالعات حقوق عمومی، 46 (3).
- سرتیپی، حسین؛ فرزانه، یوسف (1394)، «بررسی جایگاه نظریه مسئولیت حمایت در نظام حقوقی اسلام با تأکید بر امنیت ملی کشور»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، 10 (1).
- سواری، حسن؛ بلوچی، مهدی (1390)، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، 13 (32).
- سیمبر، رضا؛ قربانی، وحید (1391)، «کاربست دکترین مسئولیت حمایت در بحران لیبی»؛ پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره 5.
- طباطبایی، محمدحسین (1417 ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه علمی مطبوعات، جلد اول، چاپ دوم.
- عسگری، یداله (1394)، «مقارنه گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی»، فصلنامه دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین، شماره 11.
- علی‌محمدی، شیوا (1396)، «بررسی مشروعیت حضور نظامی ایران در مخاصمه مسلحانه سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره 70.
- فرهنگ لغت دهخدا (1396)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: چاپ چهارم.

- فرهنگ لغت عمید (1395)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: چاپ پنجم.
- فرهنگ لغت معین (1396)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: چاپ اول.
- فیض کاشانی، محسن (1340)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تهران: مکتبه الصدوق، جلد اول، چاپ اول.
- قربان‌نیا، ناصر (1382)، «مداخله بشردوستانه از منظر اخلاق»، *مجله نامه مفید*، شماره 37.
- کازرونی، سید مصطفی (1393)، *مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل*، تهران: انتشارات نگاه بین، چاپ اول.
- کبیری، اباصلت (1391)، *تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1365 ه.ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، تک‌جلدی، چاپ چهارم.
- لاچینانی، سجاد (1395)، «مسئولیت حمایت و مشروعیت مداخله بشردوستانه»، *فصلنامه سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)*، شماره 12.
- Akame, G. (2013), *Chemical weapons use in Syria: Implications for International Law*, Available at SSRN 2317809.
- Arimatsu, L., & Choudhury, M. (2014), *The legal classification of the armed conflicts in Syria, Yemen and Libya*. Chatham House.
- Barber, R. (2019), "Uniting for peace not aggression: responding to chemical weapons in Syria without breaking the law", *Journal of conflict and security law*, 24 (1).
- Cohen, B., & Garrard, E. (2020), "On justifying military intervention in Syria", In *The Norman Gears Reader*, Manchester University Press.
- Ekzayez, A., Flecknoe, M. D., Lillywhite, L., Patel, P., Papamichail, A., & Elbahtimy, H. (2020), "Chemical Weapons and public health: assessing impact and responses", *Journal of Public Health*, 42 (3).
- Evans, G. (2009), *The responsibility to protect: ending mass atrocity crimes once and for all*, Brookings Institution Press.
- Fung, C. J. (2018), "Separating intervention from regime change: China's diplomatic innovations at the UN Security Council regarding the Syria crisis", *The China Quarterly*, 235.
- Gearan, A., & Wilson, S. (2013), "US, Russia reach agreement on seizure of Syrian chemical weapons arsenal", *The Washington Post*, 9 (14).
- Hatto, R. (2013), "From peacekeeping to peace building: the evolution of the role of the United Nations in peace operations", *Int'l Rev. Red Cross*, 95, 495.
- Morris, J. (2013), "Libya and Syria: R2P and the spectra of the swinging pendulum", *International Affairs*, 89 (5).
- Notte, H. (2020), "The United States, Russia, and Syria's chemical weapons: a tale of cooperation and it's unraveling", *The Nonproliferation Review*.
- Palumbo, D. (2019), *International law, the United Nations and the use of chemical weapons in the Syrian conflict: assessment of capabilities and limitations*.
- Papacharissi, Z. (2015), *Affective publics: Sentiment, technology, and politics*, Oxford University Press.
- Report of the Secretary General (2012), *Responsibility to Protect: Timely and Decisive Response*, A. 66. 874-S.